

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده
ویرجینیا - ۱۰ نومبر ۲۰۱۵

لفافه کلام

آن روز که به سفر رفتی و خوشه های مروارید اشکم را نادیده گرفتی، تا شامگاه پشت دریچه ها گریستم.
پنداشتم که دیگر از چشمانت شور شعرآفرین محبت همچون کوچ کردن خودت، رخت بر بسته بود.
گردش پای زمان سخت استوار بود. هر روز اندیشه هایم با طناب گمان حلق آویز میگشت و از هنگامه حوادث ناخواسته رهائی نداشتم. سرانجام به مرز ناگزیریهائی رسیدم، که معیار دلبستگی را برای زندگانی در بی تو بودن، روی پله های ترازوی روزگار به تعادل رسانید.
اندک اندک طرح فراموش نمودنت را آغاز نموده بودم و با بلور منور قلبم عقد آسایش میبستم که دوباره آمدی.
لفافه کلامت هدیه پیچیده رمزی داشت، که قلب ساده مرا بار دیگر تا گذر پرفروغ باور و اعتماد برد و بار بارش شکست.
دیرگاهی از آن زمان گذشته است، مگر من هنوز با تمامی نارسیهایت جوهر عشق را در نهایت رخسندگی نگه داشته ام، تا سرمای ضمیر ترا روزی از یاد ببرم!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده - ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۵)